

9 سپتمبر 2019

داکتر سید عبدالله کاظم

## استرداد استقلال کامل افغانستان یک واقعیت مسلم تاریخی است که نمیتوان از آن انکار کرد!

(قسمت دوم)

### موقعیت استراتژیک افغانستان بین روس و انگلیس:



با تشکیل دولت درانی که از یکطرف در مدت کوتاه حدود امپراتوری آن از مشهد تا دهلی و از بحر هند تا کشمیر گسترش پیدا کرد و از طرف دیگر در این دوره تدریجاً پای استعمار انگلیس به هند رسید و روسیه تزاری برای تحقق آرزوهای دیرینه به فکر توسعه جوئی بطرف جنوب افتاد و درعین زمان قوای ناپلیون در رقابت با قوای انگلیسی نیز دست به جهان گشائی دراز کرد و چشم طمع به کشورهای آسیائی از جمله هند و ایران دوخت، اوضاع عمومی منطقه تدریجاً رو به مغلق شدن گذاشت.

پس از قتل وزیر فتح خان در سال 1234 ق دوره تسلط برادران بارکزائی در بسیار قسمت های افغانستان آغاز میگردد که این دوره بنا بر رقابت های جدی بین برادران وزیر فتح خان از یکطرف و موجودیت یک عده شهزادگان خورد و بزرگ سدوزائی از طرف دیگر کشور را در حال بی سرنوشتی و فاقد یک حکومت مقتدر مرکزی مواجه ساخت. در این وقت افغانستان بین برادران بارکزائی تقسیم شده بود و هریک خود را حکمروای مستقل منطقه مربوطه میدانستند، چنانکه محمدعظیم خان به عنوان وزیر در کابل؛ پردل خان، شیردلخان، کهندل خان، رحمدل خان و مهردل خان (مسما به سرداران قندهاری) در قندهار؛ عطامحمدخان، یارمحمدخان، سلطان محمد خان، سعید محمد خان و میرمحمد خان (مسما به سرداران پشاور) در پشاور؛ نواب جبار خان در کشمیر؛ نواب صمد خان و نواب زمان خان در دیره غازی؛ دوست محمد خان در غزنی یک واقعیت تاریخی بوده و حتی بعضی از آنها میکوشیدند تا قدرت خود را زیر نام یک شهزاده سدوزائی اعمال کنند.

برای وضاحت بیشتر موضوع، میخواهم مطالبی را از کتاب "افغانستان در قرن نوزده" - تألیف سیدقاسم رشتیا اقتباس دارم که می نویسد: «زمانیکه چشم داشت روس بطرف هند و اشغال هرات ذریعه ایران و فکر نزدیکی شان با زمامداران افغانستان برای انگلیسها واضح گردید، بار دیگر به تماس مستقیم با

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

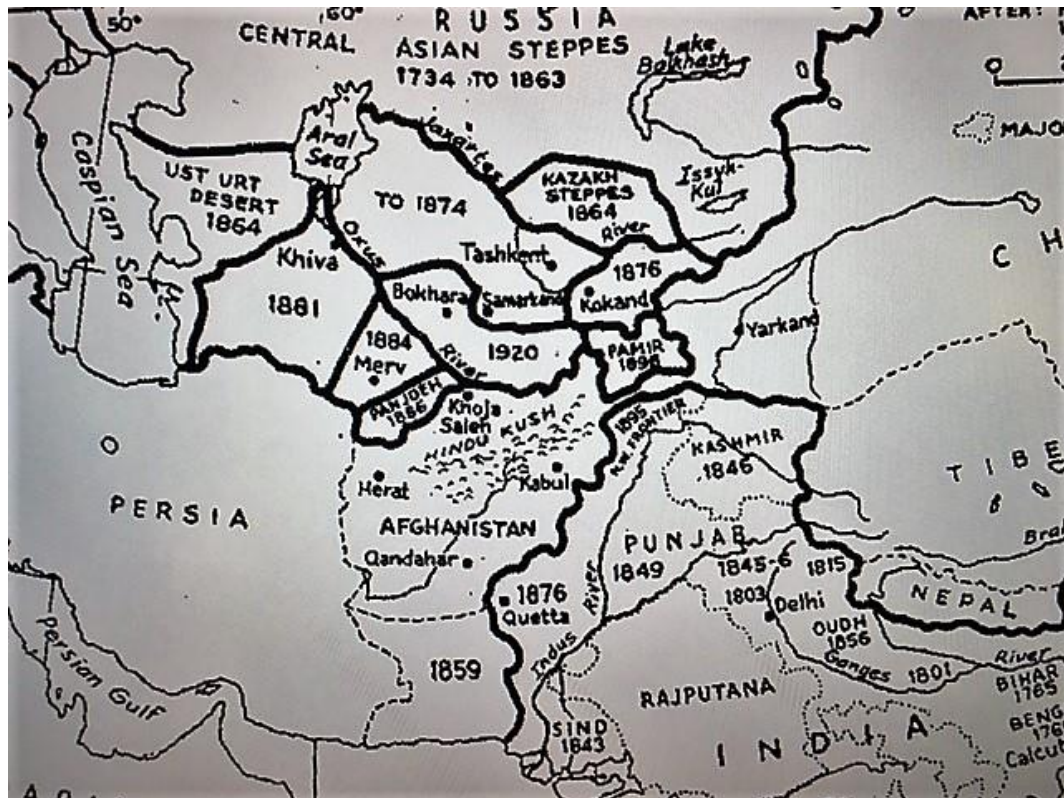
افغانستان فیصله کرده، برنس [الکساندر] را فرستادند و او امیر دوست محمد خان و سرداران قندهار را برای دوری از ایران و روس و نزدیکی به سوی انگلیس تشویق کرد. اما چون امیر دوست محمد خان استرداد پشاور و دفع خطر سیک ها را شرط اساسی این اتحاد با انگلیس وانمود ساخت، لارد آکلند که شخص ماجراجو بود، با آنکه در اول حاضر شده بود که نسبت به استرداد پشاور به رنجیت سنگ توصیه کند و توصیه هم نمود، به محض ورود هیئت روس [ویتکوویچ] که به شنیدن خبر ورود وفد انگلیس به کابل، جهت اخذ معلومات و جلوگیری از اتحاد افغانستان با انگلیس به مقابل روس و ایران که مصروف محاصره هرات بودند، جانب کابل حرکت کرد... [لارد آکلند] تصمیم گرفت که نماینده خود [برنس] را [از کابل به هند] احضار کند و با زمامداران بارکزائی قطع تعلق کرده و از راه قوت مقاصد خود را حاصل دارد.»

رشتیا در ادامه می نویسد: «حقیقت اینست که نقشه لارد آکلند چنان بود تا از راه سند و بلوچستان به قندهار و از آنجا به هرات جهت رفع محاصره آن لشکر بکشد و روی این نظریه ورود هیئت روسی را بهانه قرار داد و با سرداران بارکزائی قطع علائق کرد.» برای اینکار لارد آکلند وپسرای هند به این فکر بود که: «وجود زمامدارانی لازم است که از هر حیث به دولت برتانیه تسلیم محض بوده و هیچ یک نقطه نظر ملی از خود نداشته باشند و آله دست نمایندگان انگلیس به شمار رفته، صرف به نام حکومت کنند، حالانکه زمامدارانی چون امیردوست محمد خان و برادران او دارای نظریات مستقل از خود بودند... این چیزهائی بود که ضمن کنفرانس هائی که در پنجاب و کلکته بین مامورین سیاسی انگلیس حین مراجعت هیئت برنس از افغانستان صورت گرفت و بالاخره فیصله شد که یک بار و برای همیشه قوای انگلیس بصورت مستقیم در افغانستان اعزام و به زمامداری خاندان محمد زائی [بارکزائی] خاتمه داده شود و شاه شجاع که در تصرف انگلیس است، جانشین او گردد و عساکر و مامورین برتانیه در افغانستان بطور دائمی اقامت اختیار کنند و افغانستان تحت کنترل نظامی و سیاسی انگلیس قرار گیرد و هم در اول وهله برای رفع محاصره هرات لشکر بزرگ از راه قندهار به طرف هرات سوق داده شود تا ایران را از محاصره آن شهر منصرف سازد.» (رشتیا... مأخذ بالا صفحه 93 و 95)

رشتیا می افزاید: «بعد از کنفرانس "وین" دولت برتانیه تصمیم اتخاذ کرده بود برای مقابله با پیشرفت آینده و احتمالی روس در جنوب آسیا، مواقع خود را از رود سند... تا هندو کش پیش ببرد و بلکه تا رود آمو نفوذ خویش را توسعه دهد و لشکر کشی بر افغانستان روی همین نظریه شروع شد و دلایل اینکه سرداران محمدزائی مخالف انگلیس بودند و یا اینکه با ایران و روس داخل تحریکات شده میخواستند به هند حمله کنند، محض یک بهانه بوده و الا نه ایران و نه روس قدرت حمله برهند را در آن موقع نداشتند و حتی اشغال هرات و حفظ آن هم از توان شان خارج بود، چنانچه انگلیس با یک مانور نظامی در خلیج فارس، شاه ایران و دولت روس را از تعقیب نقشه اشغال هرات منصرف ساخت.»

رشتیا تصریح میکند که: «نقشه لارد آکلند در حقیقت عبارت از یک ماجراجویی تازه و پیشرفت تا جبال هندوکش و اشغال نظامی تمام افغانستان بوده است، نه دفع کدام خطر فوری و یا ایفای کدام تعهد با زمامداران محلی... چنانچه این حقیقت از قرارداد مابعد که حین اشغال قندهار از طرف مکناتن بر شاه شجاع تحمیل شد، خوبتر واضح میگردد، زیرا در آن وقت انگلیسها توقف دائمی عسکر خود را در افغانستان بالای شاه شجاع قبولانند و زمانیکه کابل اشغال شد، نیز از آن صرف نظر نکردند، بلکه در این نظر مصرتر شدند. (رشتیا، سید قاسم: مأخذ فوق، صفحه 98 - 99)

در نقشه ذیل دیده میشود که چگونه قدم قدم روسها بطرف جنوب به اشغال سرزمین های آسیای میانه می پردازند و انگلیسها برعکس سلطه خود را در ساحات شمالی و غربی هند پخش میکنند و قسمت های عمده امپراتوری درانی را تحت اشغال خود می آورند. بدینوسیله سرزمین افغانستان از سه طرف یعنی روسیه، انگلیس و نیز قسماً ایران تحت فشار قرار میگیرد.



### چگونگی تهاجم اول انگلیسها :

انگلیسها بر طبق سیاست "پیشرفت بسوی غرب" (فارورد پالیسی) میخواستند قبل از آنکه قوای دولت روس در آسیای مرکزی تا دریای آمو برسند، نفوذ خود را تا سواحل آمو گسترش دهند. با این هدف گورنر جنرال انگلیس در هندوستان لارڈ آکلند بتاريخ اول اکتوبر 1838م (1254 ق - 1217ش) قشون بزرگ و مجهز خود را که بالغ بر 54 هزار عسکر، 12 هزار عمه و 30 هزار حیوان باربر بود. به همراهی شاه شجاع و پسرش از راه قندهار، غزنی به کابل گسیل کرد.

بعد از آنکه قوای انگلیس سلطه خود را در نقاط مختلف افغانستان گسترش داد، وضع و رفتار آنها تغییر کرد؛ دیگر انگلیس های دوست نی، بلکه آنها زمامدار اصلی و حاکم نظامی افغانستان شدند. غبار در این زمینه می نویسد: «مکناتن نماینده و سفیر انگلیس از این به بعد عملاً به شکل صدراعظم و هم نایب السلطنه افغانستان درآمد. تمام امور دولت، عزل و نصب وزرا و افسران افغانی، بودیجه و مالیات، مجازات و مکافات و غیره همه در اختیار او بود». او در ادامه می افزاید: «شاه شجاع بتدریج به موقی کشانیده شد که از حرم و یا اطاق نشین خود بیرون نمیشد .... عمارت شاه و اطاق دربار او توسط افسر و عسکر انگلیس محافظه میگردید. هیچ افغان بدون اجازه صاحب منصب انگلیس

د پانو شمیره: له 3 تر 6

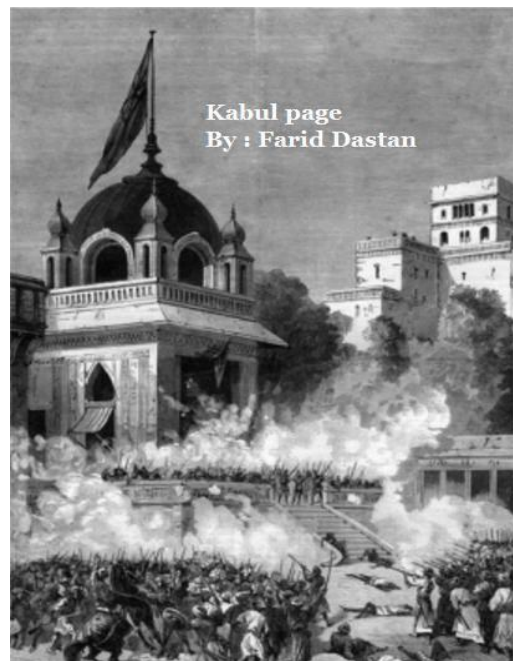
افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ



حق دیدن شاه را نداشت.... شاه با 850 نفر زن و مرد و اطفال خاندان خود در ارگ بالاحصار از طرف پنج هزار عسکر انگلیسی حفاظت میشد و گارد شاهی خود او رسماً یک قطعه نهصد نفری متشکل از مردمان هندی بودند. شاه شجاع باری به مکناتن یادآوری کرد که افغانستان مأمون است و من پادشاهم، لذا ضرورت برای قشون انگلیس در کشور دیده نمیشود. مکناتن جواب داد که تا خطر امیر دوست محمد خان باقیست، موجودیت قشون انگلیس در افغانستان حتمی است..... انگلیسها نه تنها شاه را بالقوه در دست داشتند. بلکه از لحاظ سیاست او را نیز محتاج به خود و در عین حال زیر تهدید نگه میداشتند، زیرا تمام اوامر که بر ضد منافع مملکت و مردم و روسای متنفذ صادر میشد، همه بنام شاه بود، بنابراین همه دشمن او گردیده بودند. از طرف دیگر انگلیسها رقبای شاه را علی الرغم تمایل او، نافذ و مقتدرتر نگه میداشتند..... انگلیس ها به تدریج رجال ملی و صادق را از شاه و امور دولت بیگانه و دور کردند و اشخاص فرومایه و خاین به وطن را میدان دادند.... آنها در رفتار خود با عامه مردم نیز سیاست تخویف را پیروی کرده در حق شان مجازات، حبس، مصادره، تبعید و ضرب روا میداشتند». (غبار.....، صفحه 534 و 535)

(حمله بر نمایندگی انگلیس در بالاحصار و کشته شدن الکساندر برنس و عده ای دیگر توسط مجاهدین کابل)



«علاوتاً پس از گذشت یک سال از اقامت قوای انگلیس در کابل، انگلیسها فکر کردند که دیگر به لشکر زیاد ضرورت نیست، لذا یک قسمت قوای خود را دوباره به هند اعزام داشتند و به فکر باقی ماندن برای مدت طولانی، افسران انگلیس عائله خود را نیز به کابل خواستند و آنها طوری در شهر و بازار ظاهر می شدند که گوئی کابل نیز مثل دهلی است، درحالیکه چنین نبود و مردمان کابل هنوز با تمدن تازه وارد مختلط هندی - انگلیسی آشنا نبودند و مخالفت با قوای متجاوز، فوراً به مخالفت با تمدن غربی منتج شد که افغانها آنرا مایه "فتنه و فساد" تعبیر کردند. همچنان احساس مردم کابل مبنی بر اینکه انگلیس ها خیال اقامت دائمی را در سر دارند، مردم را ناراحت می ساخت و در عین زمان موجودیت قوای بزرگ موجب قلت مواد خوراکه در بازارهای کابل شده منتج به بلند رفتن سریع

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

قیمت ها و کمبود مواد در بازارها گردید و زندگی مردم را در مضیقه قرار داد. گذشته از آن مشاهده اطاعت بی چون و چرای شاه شجاع از انگلیسها و ظلم و تعدی و بی اعتنائی و غرور قوای مهاجم انگلیسی در مقابل مردمان مغرور کابل همه عواملی بودند که در ظرف یکی دو سال اول تسلط انگلیسها در کابل احساسات ضد انگلیسی مردم را تدریجاً تحریک میکرد.»

حالات فوق یک تعداد سران ملی افغان را در کابل با گذشت هر روز بیشتر از پیش ناراضی از اوضاع می ساخت و زمینه های قیام را فراهم میکرد که سلسله آن تنها منحصر به کابل نماند، بلکه بزودی افغانستان شمول گردید و موجب قیامهای بزرگ در سراسر کشور شد که البته شاه شجاع نیز با درک اوضاع بطور خفیه مردم را به قیام تشویق میکرد. قیامهای مردمی با برافراشتن علم جهاد علیه انگلیسها روز بروز بیشتر میشد. تا آنکه قیام معروف کابل صورت گرفت که بروز دوم نوامبر 1841 که مصادف بروز 17 رمضان مبارک سال 1257 ق (1220ش) بود، منجر به کشته شدن الکساندر برنس Alexander Burns و تعداد دیگر انگلیسها و فرار مکناتن W. McNaughten (نماینده فوق العاده انگلیس) ازبلااحصاربه قشله عسکری انگلیس درکابل قریب محل "بی بی مهر" شد. (برای شرح مزید دیده شود: غبار.....، صفحه 548 تا 550)



بتاریخ 11 دسمبر 1841 حین مذاکراتیکه بین وزیرمحمد اکبرخان و مکناتن در قشله بی بی مهر و رخ داد، مکناتن بوسیله فیر تفنگچه وزیر محمد اکبر خان کشته شد و انگلیسها برطبق یک توافقنامه با غازیان افغان تعهد کردند که قوای خود را از کابل بیرون کنند. روزهای برآمدن قوای انگلیسی از کابل روز خوشی و روز غلبه آزادی بر استعمار بود و غازیان و اهالی شش گروهی و سکنان دهات دورتر از آن مانند عید ملی از این رویداد تاریخی استقبال کردند و

همه برای دیدن منظر خروج قوای دشمن به تعداد بیش از ده هزار زن و مرد و طفل به تماشای آنها در دو طرف خط السیر آنها برآمده و از این وضع دشمن برخوردار می بالیدند. شاه شجاع در قصر بلااحصار منتظر وقایع بعدی بود. دو ماه گذشت و هرروز فشار بر شاه شجاع از طرف سرداران بارکزائی و عده دیگر مجاهدین زیاد می شد تا شاه شجاع سلطنت را بگذارد و بطرف جلال آباد برود. تا آنکه شاه شجاع تصمیم خروج از بلااحصار را گرفت و حینیکه میخواست با عده ای از سربازان خود کابل را ترک کند، در دامنه های سیاه سنگ شب را گذرانید و هنگامیکه صبح آماده حرکت بود بوسیله پسر نواب محمد زمان خان بتاریخ 5 اپریل 1842 م به قتل رسید و پسر او بنام فتح جنگ که در بلااحصار هنوز هم به نیابت پدر قرار داشت، بعد از کشته شدن پدر به سلطنت رسید

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

و اما دیر دوام نکرد و در این گیر و دار آوازه برگشت امیردوست محمد خان از بخارا همه را منتظر ورود او ساخت.

با آنکه برطبق عهدنامه مورخ اول جنوری 1842 باید تمام قوای انگلیسی بصورت فوری افغانستان را ترک میکردند، ولی آنها به این تعهد خود وفا نکرده و هنوز هم قوای انگلیسی تحت قیادت جنرال نات Nath در قندهار و جنرال سیل در جلال آباد موجود بودند و علاوه بر آن قوای 20 هزار نفری دیگر انگلیس به سرکردگی جنرال پالک Pollak از پشاور به جلال آباد رسید. در عین زمان انگلیس ها که از ادامه بقایای سلاله سدوزائی ناامید شده بودند، به فکر آزاد ساختن امیردوست محمدخان و برگردانیدن او به سلطنت افتادند و نیز از شکست ذلت بار خود در کابل میخواستند انتقام بگیرند. از امیردوست محمد خان خواستند تا با ارسال نشانی (عینک و قطی تصور) به وزیر محمد اکبر خان از او بخواهد تا در برابر قوای تازه وارد انگلیسی (جنرال پالک) عازم کابل مقاومت جدی نکرده و به نحوی خود را عقب بکشد، تا زمینه عروج مجدد او به سلطنت مهیا گردد.

در این موقع فتح جنگ پسر شاه شجاع که خود را در بالاحصار جانشین پدر ساخته بود، با تغییر لباس از آنجا فرار کرده و در جلال آباد خود را نزد قوای جنرال پالک و جنرال سیل رسانیده بود، همراه با قوای مذکور بطرف کابل روانه گردید. وزیر اکبر خان چاره ای ندید، جز اطاعت امر پدر و به تدریج خود را عقب کشید تا آنکه بطرف شمال رفت و قوای پالک و سیل توانستند بدون مقاومت جدی بتاريخ 18 شعبان 1257 (16 سپتمبر 1842) شهر کابل را اشغال نمایند. اگرچه آنها "فتح جنگ" پسر شاه شجاع را ظاهراً بار دیگر به مقام پدرش نشانیدند و اما در باطن آماده قبول مجدد امیردوست محمد خان بار دوم به سلطنت افغانستان بودند.

شهر کابل با برگشت قوای انگلیسی شاهد روزگار مصیبت بار گردید، به قول فرهنگ : «چون جنرال انگلیسی بر اکبر خان دست نیافت، تصمیم گرفت تا از شهر کابل که مرکز و کانون قیام ضد انگلیس بود، انتقام بگیرد. بنابراین امر داد تا بازار مرکزی شهر معروف به "چارچته" را که زیبا ترین بازارهای مشرق بود و با نقاشیهای نفیس تزئین یافته و چهار میدان داشت و در وسط هر میدان حوض و فواره تعبیه شده بود با بعضی از مساجد و ابنیه تاریخی توسط باروت به هوا کنند و بعد از آن هم عساکر انگلیس به چپاول شهر آغاز کردند، انرا بکلی تخریب نمودند. اما پالک به این هم اکتفا نکرد و چون مردم کوهدامن و کوهستان در محاربه ضد انگلیس سهم فعال داشتند و حالا هم محمد اکبرخان به آنجا پناه برده بود، یک دست از قوای خود را پالک برای انتقام جوئی به آن سو فرستاد. قوای مذکور قریه استالف و چاریکار را حریق و باخاک یکسان نمودند و تمام مردان بالاتر از سن 14 را به قتل رساندند و برزنان و کودکان نیز تعرض نمودند.» (فرهنگ، میرمحمد صدیق: "افغانستان در پنج قرن اخیر"، جلد اول، قسمت اول، چاپ پشاور 1373، صفحه 291 - 292)

(جریان این رویداد ها که در تاریخ کشور به جنگ اول افغان و انگلیس شهرت دارد، در کتاب "شیپور تباهی - چگونه یک قدرت بزرگ نظامی جهان در افغانستان از پا در آمد ؟"، نوشته مکروری اتریک - ترجمه پاینده محمد کوشانی - با شرح مبسوط گزارش یافته که مطالعه آن برای علاقمندان موضوع دلچسپ خواهد بود.)

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ